

رفقای گرامی . دکتر رضا جوشنی کمی با تاخیر برای ارائه سند اعلام آمادگی نمود. ولی از آنجا که سند خود را آماده و در اختیار ما قرار داده، آنرا جهت اطلاع برای شما ارسال می‌داریم. پیروز باشید. هیات ریسه شورای مرکزی

## برآمدی دیگر، روالی دیگر

بجای مقدمه

### رضاجوشنی

نوشته زیر تحت عنوان مولفه های خط مشی سیاسی سازمان ملی مردمی ما به مثابه پیشنهاد مقدماتی عرضه میشود تاپس از همکاری و همفکری علاقمندان در صورت ضرورت با شناسنامه معین به کنگره آتی سازمان ارایه گردد. لازم است به چند نکته مهم زیر توجه شود. الف- سازمان ما طبق این نوشته به عنوان یک سازمان ملی مردمی و دموکراتیک برآمد سیاسی خواهد داشت.

برآمد سیاسی ملی مردمی سازمان :

۱- از دفاع و جانبداری مستمرما از منافع ملی (که شامل کلیه امکانات و ذخایر مادی و معنوی کشور بویژه در رابطه با مناسبات ایران با کشورهای همسایه، منطقه و جهان به اعتبار موقعیت تاریخی، اقتصادی ژئوپولیتیکی و فرهنگی آن است.) و ملاحظه مصالح عمومی کشور (که در مواجهه با منافع و تعارضات طبقات، اقشار و گروه های اجتماعی، مسایل منطقه ای، و جناح بندی ها و دسته بندی های سیاسی و گروهی و شخصی، خیر و مصلحت عمومی کشور را لحاظ میکند.) مایه می گیرد. ۲- تلاشی است در راه زدایش داوری ها و توهمات تاکنونی که توأمانی عنصر چپ و عنصر ملی را ناسازگار میدانند و کوششی است در راه آشتی و سازگاری مفهوم ملی به معنای همگانی و سراسر کشوری آن، در آمیزه ای از منافع، مصالح، ثروت، تاریخ و فرهنگ ما از ظرفی و مفهوم چپ در برآمد عصری و چهره انسانی و عدالت خواهانه آن از طرف دیگر.

۳- تلاشی است در راه فرارویاندن سازمان از یک جریان بسته و صرفا طبقاتی به جریان مردمی عمومی و فراگیر که مناسب و پذیرنده همیاری ها و همراهی ها در مقیاس کشور ی در شرایط بکلی متفاوت کنونی و آینده جامعه باشد. بدیهی است که تسری چنین رویکردی یعنی «حضور ملی سازمان» در جامعه، در حوزه مناسبات درون سازمانی نیز ناگزیر خواهد بود.

۴- این «حضور ملی» مازمینه ای فراهم خواهد کرد برای کنش و واکنش های مناسب و همدمند آتی ما و جامعه ما در مواجهه با روند های فراگیر جهانی و مشارکت سودمند در آن روندها.

یادآوری ؛ تأکید این نگاه به زوایایی مشابه آنچه که در بالا آمده است، از هرگونه گرایش ناسیونالیستی (ملی گرایانه) که بویژه در عصر حاضر ارتباطات گسترده جهانی موجود اساسا رنگ و بوی دیگری به خود میگیرد و نشانه در جازدن است، فاصله دارد. ب- این سند درخواست است به روال سنتی برای هریک از گروهها و اقشار و طبقات اجتماعی جداگانه «سیاست پردازی» کند و پاراگراف و بخش ویژه ای را به هریک از آنها که بارها در اسناد ما تکرار شده و مورد موافقت همگان است اختصاص دهد. در عین حال مصرا بر آن است که در کنگره نیز از این بابت «بنا به سنت» به ایجاد کمیسیون های جنبی فرمال و غیرمفید از قبیل جوانان، زنان، کارگران و ملیت ها و... اقدام نشود. اگر کسانی واقعا در این عرصه ها حرف تازه ای برای گفتن دارند، میتوانند به اشکال مختلف ارائه کنند. تادر موضع گیری های بر حسب ضرور و یادر وظایف اجرایی ارگان های رهبری آینده مورد توجه و استفاده قرار گیرد. پ- تصویب سندی از این دست در کنگره کافی است. اتخاذ مواضع سازمان بر اساس مؤلفه های موجود در چنین سندی (در صورت تصویب کنگره) خواهد بود. و ارایه و تصویب سند دیگری تحت عنوان سند «برنامه عمل دوساله» یا «راهکارها» که توسط شورای مرکزی مقرر شده، ضرور نیست. اختصاص نیروی ویژه برای کار روی سند برنامه عمل دوساله و راهکارها عملا تکرار مکررات است، و صرف وقت و نیرو برای تصویب آن در کنگره نیز لزومی ندارد. تجربه کنگره های ما و عملکرد شورا نشان داده است که این کار بیشتر جنبه فرمالیته دارد. شورای مرکزی خود موظف و مختار خواهد بود که شرح وظایف یکساله و دو ساله خود را با بهره گیری از این مولفه ها و دیگر مصوبات کنگره تهیه و به اجرا گزارد و راهکارهای مشخص سیاسی و اجتماعی را منطبق با احوال متغیر روز و بر اساس سند حاضر مشخص گرداند.

می توان با ارایه و تصویب برخی قرارهای اجرایی همخوان با این مولفه ها، فعالیت ها و سیاست گذاری های شورای منتخب را تسهیل کرد.

\*\*\*\*\*

اندک اندک زکوه سنگ کشند

نتوان کوه را کشان کردن .

مؤلفه های خط مشی سیاسی

## سازمان ملی مردمی ما

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمانی است، ملی، مردمی و دموکراتیک. مؤلفه های خط مشی سیاسی سازمان برای تامین آزادی، دموکراسی، پیشرفت و عدالت اجتماعی در کشورمان به عنوان راهنمای فعالیت ارگان های سیاسی و اجرایی منتخب کنگره آتی به شرح زیر است:

الف - خطوط کلی

- تاکید بر تامین آزادی ها و حقوق فردی و اجتماعی مردم میهن ما تلاش در راه فراهم شدن هر بیشتر شرایط و امنیت برای آزادی
- تاکید بر مردم سالاری (دموکراسی) تلاش به منظور دموکراتیک کردن (شدن) نظام سیاسی حاکم بر جامعه .
- تاکید بر اجرای مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر.
- پیگیری توأمان «توسعه سیاسی» و «توسعه اقتصادی متوازن» با ستمگیری عادلانه .
- رعایت منافع ملی و ملاحظه مصالح عمومی جامعه در اتخاذ مواضع .

\*\*\*\*\*

### ب- در رابطه با اصلاحات

روند اصلاحات به عنوان تجلی جنبش «تامین حقوق مدنی» سالها فراموش و سرکوب شده مردم ایران پس از فراز و نشیب ها پشت سر گذاشتن تجارب و کسب دستاوردها و تحمل ناکامی ها و هزینه های سنگین چند ساله اخیر، وارد مرحله حساس و نگران کننده ای شده، که سرنوشت آینده کشور، با سرنوشت آن گره خورده است. اصلاحات، با همه تنگناهای موجود هنوز از پشتیبانی اجتماعی قابل توجه و نهاد های مدنی موجود برخوردار است، این حمایت بالقوه و بالفعل مردم و وجود نیروی های مدافع آن در بخشی از حکومت از امکانات و ذخیره های ادامه حیات و گسترش آن هستند .

در شرایط کنونی، جریان ها و سازمانها و نهادهای اجتماعی و احزاب و سیاسی جامعه بسته به اینکه چه رابطه ای با روند اصلاحات تنظیم و برقرار کنند، (پایداری و دفاع از آن، یابی اعتنای و دفاع با آن )، مورد داوری قرار میگیرند. مؤلفه های مهم سیاست های ما در رابطه با اصلاحات عبارتند از:

- پایداری بر روند اصلاحات، چاره جویی برای رفع موانع و مشکلات آن و تلاش در راه گسترش و تداوم آن .
- حمایت از اقدامات موثر اصلاحی نیروها و شخصیت های درون جناح اصلاح طلب حاکمیت
- نقد صریح و مشفقانه خطاها و اشتباهات پروسه اصلاحات و نیروها و شخصیت های درون جناح اصلاح طلب حاکمیت با انگیزه رفع خطاها و اشتباهات و جلوگیری از توسعه گرایش محافظه کاری در این جناح .
- اتخاذ سیاست نزدیکی با نیروها و شخصیت های سیاسی جنبش اصلاحات درون و بیرون و حاشیه حاکمیت به منظور اشتراک مساعی برای دست یابی به راهکارهای غلبه بر بحران موجود در روند اصلاحات . و گنوده شدن افق اصلاحات بنیادی (رادیکال) با همراهی و حمایت متقابل همه نیروهای جبهه اصلاحات . (بیرون و درون حاکمیت، داخل و خارج کشور لائیک، ملی مذهبی و ۲ خردادی)

\*\*\*\*\*

### پ- حاکمیت و جناح های درون و پیرامون آن و...

ساختار سیاسی دوگانه حاکمیت با مشخصات زیره تحول اجتماعی کشور را در تنگنا قرار داده است .

۱- جناح محافظه کار، که نهادهای انتصابی و کلیدی حاکمیت از قبیل نهاد ولایت، شورای نگهبان، شورای تشخیص مصلحت، بوقه قضاییه و رادبو و تلویزیون را زیر پوشش دارد. این جناح دارای امکانات مالی گسترده ولی فاقد مشروعیت اجتماعی است .

۲- جناح اصلاح طلب که نهاد های انتخابی ریاست جمهوری (دولت) و مجلس را در اختیار دارد و هنوز از حمایت مردمی و اجتماعی گسترده برخوردار است .

جناح محافظه کار با بهره گیری از همه امکانات قانونی شبه قانونی و فراقانونی و نیز عملیات ایذایی از طریق ابادی و گروه های وابسته نتوانسته است به بهای سنگین رسوایی و بی اعتباری اجتماعی خویش، روند اصلاحات را از تحرک و فعالیت بازدارد و نیروهای اصلاح طلب را در تحقق اهداف تعیین شده شان به مهار کشد و یادرتنگنا بگذارد ولی هنوز موفق نشده است مردم را از مطالبه و ادامه راهشان مایوس گرداند و عزم و اراده نیروهای اصلاح طلب درون و بیرون حاکمیت رادرم شکند . وضعیت عمومی جامعه نشان از حیات و پایداری حتی المقدور دستاوردهای تکنونی روند اصلاحات و تلاش اصلاح طلبان حکومتی و خارج از حکومت در اتخاذ راهکارهای مقابله با جناح محافظه کار و عمل به آن در حوزه های متفاوت است مؤلفه های کلی سیاست مدار رابطه با وضعیت فوق بدین قرار است:

- تلاش در راه دفاع و تقویت جمهوریت و نهاد های انتخابی در برابر ولایت و نهادهای انتصابی در راستای تغییر موازنه قوا و دموکراتیزه شدن ساختار سیاسی حاکم .
- جستجوی راه های عملی «مقاومت مدنی» در مقابل عملکردها و سیاست های مخرب نهادهای انتصابی موثر در حیات عمومی کشور از قبیل شورای نگهبان، بوقه قضاییه، شورای تشخیص مصلحت و ...
- تلاش و مبارزه برای «اصلاحات و تغییرات» لازم و مناسب در قانون اساسی و قوانین مدنی در جهت نیازهای کنونی جامعه و مطالبات اساسی مردم منطبق بر تصریح مندرج در قانون اساسی در شکل مراجعه به آراء عمومی و یا اشکال دیگر
- مخالفت صریح و قاطعانه با اقدامات و سیاست های تخریبی و ضد دموکراتیک نیروها و شخصیت های درون جناح محافظه کار حاکمیت با هدف افشاء و عقب نشاندن آنها، و اتخاذ راهکارهایی در جهت انزوای خشونت طلبان و نیروهای افراطی
- اتخاذ سیاست های سوق و تشویق محافظه کاران میانه رو به پذیرش قواعد بازی سیاسی در سمت و سوی ایجاد فضای سیاسی مناسب و دموکراتیک برای رقابت های سیاسی و فراهم شدن امکان برای عرضه راهکار های اجتماعی مختلف

\*\*\*\*\*

### پ - اشکال و شیوه های مبارزه

برآمد جنبش تامین حقوق مدنی در روش متمدنانه و امروزی آن به شمول حضور در پای صندوق های رای که دوم خرداد ۷۶ طلیعه آن بود، راه و روش مبارزه

دپروسه تحقق تغییر و تحول سیاسی اجتماعی کشور مارا وارد مرحله کاملاً جدیدی نمود. تاکید ماؤدیگر نیروهای سیاسی بر این شیوه هاروش های مسالمت آمیز مبارزه مردم برای تحقق مطالبات اجتماعی ، فرهنگ مبارزاتی مارا با معیارهای متعارف ومدنی معاصر همسو کرده است پاسداری وثبیت این روش مبارزاتی در سازمان هم باتجارب سالهای اخیر مردم ما همخوانی دارد وهم برای سازمان ما در تاثیر گذاری آن بر سرنوشت جامعه دارای اهمیت حیاتی است لذا مولفه های سیاست های ما در رابطه با مسایل کنونی جامعه در اشکال وشبیه های مبارزه عبارتند از:

– بسیج اجتماعی مطالباتی و اعتراضی با تاکید بر روش های مسالمت آمیز  
– مخالفت با هرگونه اعمال خشونت از جانب نیروهای حاکمیت در مقابل مطالبات مردم. ومخالفت با اشکال و روش های خشونت آمیز مبارزه برای تحقق مطالبات اجتماعی .

– پشتیبانی از مطالبات دموکراتیک وعادلانه اقشار، طبقات و گروه های اجتماعی کشور ؛ زحمتکشان، اقلیت های «قومی» و «ملی» ومذهبی ، زنان ، جوانان، دانشجویان ، دانشگاهیان ، اهل قلم ومطبوعات و رسانه ها، فن آوران کارمندان ، فرهنگیان و...  
– دفاع از تشکیل و ادامه حیات تشکل هاو واحد های سیاسی وصنفی ، احزاب سیاسی، شوراها و نهاد های مدنی برای تثبیت وقوام دست آوردهای تاکتونی جنبش تامین حقوق مدنی واصلاحات.  
– تاکید بر فعالیت سیاسی آزاد، قانونی و علنی سازمانها واحزاب سیاسی در چارچوب قانون اساسی وتلاش در راه کسب وتأمین آن .  
– تاکید بر بهره گیری هتاسب از حق « نافرمانی ومقاومت مدنی» به اقتضای شرایط واوضاع واحوال .  
– ترغیب نیروهای اسلامی ولاتیک وچپ به مدارا با یکدیگر در گشایش گره های تاکتونی ناگشوده جامعه ، ومخالفت با سیاست های حذفی ، وتاکید بر مراعات نزاکت سیاسی در مناسبات بین احزاب وسازمانهای سیاسی .

\*\*\*\*\*

ت \_ عرصه های عمومی و بین المللی

نظام جمهوری اسلامی در طول حیات ۲۲ ساله اش به باور همه دلسوزان کشور کارنامه مثبتی در عرصه تنظیم منطقی مسایل فرهنگی، قومی وملی وتامین مصالح عمومی کشور ومنافع عالییه ملی نداشته است.  
۱- عدم وجود روحیه وفرهنگ مداری ملی در حاکمیت وبسیاری از نیرو های سیاسی جامعه در آستانه انقلاب وسال های پس از آن تحقق مطالبات فرهنگی و اداری هم میهنان ساکن مناطق فوق را تاکنون معوق گذاشته است .  
۲- خروج بلا وقفه سرمایه های مادی معنوی وعلمی وتخصصی به خارج نشان از بی اعتنائی نظام به مصالح عمومی کشور است  
۳- تسخیر سفارت آمریکا وبه دنبال آن قطع رابطه ایران وآمریکا ، ادامه جنگ ایران وعراق ، سیاست نادرست خاور میانه ای نظام در رابطه با مسئله فلسطین واسرائیل، سیاست خارجی ایران در رابطه با افغانستان و جمهوری های آسیای میانه قضیه سلمان رشدی ، گرایش صدور انقلاب اسلامی همه وهمه بر علیه منافع ملی کشور ماعمل کرده وخسارات مادی ومعنوی کمرشکنی بردوش مردم واجامعه ما قرار داده است اتخاذ سیاست معقولانه در این عرصه ها لازمه جبران تدریجی این خسارات عظیم است. مولفه های این سیاست ها عبارتند از:

– فاصله گیری ازومخالفت باگرایش های افراطی «سراسری» و«قومی» وترویج فرهنگ تفاهم ملی. جستجوی راه حل برای تحقق مطالبات فرهنگی اداری مناطق ملی

– تاکید بر ارزش های مثبت تاریخی فرهنگی ملی ومذهبی در جهت همزیستی مسالمت آمیز در واحد ملی وكشوری ، ودر عرصه بین المللی .  
– تاکید بر سیاست تشنج زدایی در مناسبات کشور ما با همه کشورهای ودولت های جهان وتنظیم وبرقراری رابطه عادی با همه آنها از جمله آمریکا.  
– مخالفت صریح وقاطع باتروریسم در واحد ملی و بین المللی، در اشکال وانگیزه های گوناگون آن ودفاع از چاره جویی هاومقابله هماهنگ بین المللی با آن .